

نخن سردیر

استفاده بهینه از منابع موجود و ایجاد حداکثر بازدهی از منابع مورد استفاده هدف اصلی تمامی اقتصادهاست. در این میان منابع طبیعی هر کشوری اعم از توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، نقش اساسی و پررنگی را در بسترسازی برای رشد و توسعه ایفا می کند. کشورهای توسعه یافته با بهره گیری مناسب از منابع طبیعی، اغلب این منابع را در راستای بهبود و گسترش رشد اقتصادی به کار می گیرند. اما کشورهای کمتر توسعه یافته عمدتاً منابع طبیعی را به صورت خام به فروش می رسانند و از این طریق نحسی منابع طبیعی را به وجود می آورند؛ به طوری که بهره برداری از منابع مذکور نه تنها به رشد و توسعه این کشورها کمکی نمی کند، بلکه زمینه را برای بروز مشکلاتی نظیر بیماری هلندی، رانت جویی، فساد و ... فراهم می آورد. برخی بر این باورند که یکی از دلایل نحسی منابع طبیعی حضور گسترده دولت ها در عرصه بهره برداری و استفاده ناکارآمد (خام فروشی) از منابع مذکور است. در حالی که حضور بخش خصوصی در کنار بخش دولتی می تواند امکان بهره برداری بهینه از این منابع را فراهم و از طریق ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی، به رشد اقتصادی کمک کند.

از دیگر آثار حضور گسترده دولت در اقتصاد که کارایی و اثربخشی نظام مذکور را تحت تأثیر قرار می دهد، تکالیفی است که از طریق لوایح قانونی برای سایر نهادها تعیین می کند. یکی از این تکالیف، اجبار بانک مرکزی به فروش ارزهای بودجه ای به قیمتی مشخص و کسب ریال برای دولت است. این امر اغلب موجب انباشت ذخایر خارجی بانک مرکزی و افزایش پایه پولی کشور شده و می تواند زمینه ساز تورم ناخواسته گردد. با توجه به نکات فوق و در راستای افزایش کارآمدی حضور دولت در عرصه اقتصاد و کاهش هزینه های مربوط به آن، در سال های پیشین سیاست خصوصی سازی شرکت های

دولتی در کشورمان آغاز شد. در بین همه ابعاد خصوصی سازی، اعم از بانک‌ها، بیمه‌ها، صنایع و ... بیشتر بر صنعت بیمه تأکید شده است. هرچند این فرایند دارای مشکلات عدیده‌ای است، اما گامی رو به جلو محسوب می‌شود؛ هم‌زمان با اجرای سیاست خصوصی سازی در کنار قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی اصلاح و طرح‌ریزی جدید بودجه شرکت‌های دولتی در راستای اجرای قانون مزبور ضروری به نظر می‌رسد.

از این رو دولت نیز مجبور به رعایت اصول تنظیم‌گری در اقتصاد می‌شود، به نحوی که نگرش دولت از دولت‌محوری در اقتصاد به بازارمحوری تغییر می‌کند. این امر به طور طبیعی نیازمند به کارگیری ابزارهای نوین الکترونیکی است که هم موجب بهبود شفافیت در عملکرد دولت می‌شود و هم در زمان لازم برای بودجه‌نویسی و طی مراحل اداری فعالیت‌های دولتی و حتی غیردولتی صرفه‌جویی می‌نماید.